

Cultural Relations Between Iran and Italy (1953–1979)

A Study Based on Cultural Diplomacy and Scientific-Educational Exchanges

Ali-Asghar Rajabi¹

Nesa Ganji²

Cultural relations between Iran and Italy during the Second Pahlavi era (1953–1979) represent one of the most prominent examples of Iranian cultural diplomacy within the Western world. Utilizing a historical-analytical method and drawing upon diplomatic and cultural documents from Iranian and Italian archives, bilateral agreements, and other library-based sources, this research examines the dimensions and manifestations of these relations. The central question of the study investigates the nature of these cultural ties and their role in the Pahlavi regime's cultural policy and public diplomacy. The hypothesis posits that these relations transcended mere formalities, serving the purposes of cultural modernization and providing international legitimacy to the Pahlavi government's foreign policy.

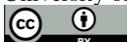
Findings indicate that these relations encompassed the signing of the 1958 Cultural Agreement and the formation of joint commissions, extensive activities by the IsMEO Institute (*Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente*) in archaeology and the restoration of historical monuments, the establishment of cultural institutes in Tehran and Rome, and the organization of Iranian art exhibitions in Europe and Italian exhibitions in Iran. Furthermore, cooperation extended to scientific and academic collaboration in fields such as architecture and linguistics, the presence of Italian musicians and opera troupes in Iran, the erection of statues of Iranian luminaries in Rome, and the co-production of cinematic works. Beyond promoting Iranian art and civilization, these activities contributed significantly to stabilizing the Pahlavi regime's international standing.

▪ **Keywords:**

Iran, Italy, Second Pahlavi Era, Cultural Relations, Cultural Diplomacy, Scientific Exchange, Educational Exchange, Art.

¹ Assistant Professor, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, Kharazmi University, Karaj, Iran (Corresponding Author). aliasghar.rajabi@khu.ac.ir

² PhD Student in History, Department of History, Faculty of Literature and Humanities, University of Tehran, Tehran, Iran. Nessaganji@ut.ac.ir



روابط فرهنگی ایران و ایتالیا طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲ش.

مطالعه‌ای بر پایه دیپلماسی فرهنگی و تبادلات علمی و آموزشی

علی اصغر رجبی^۱

نسا گنجی^۲

چکیده

روابط فرهنگی ایران و ایتالیا طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲ش. یکی از شاخص‌ترین نمونه‌های دیپلماسی فرهنگی ایران در جهان غرب بود. این پژوهش با روش تاریخی-تحلیلی و بر اساس اسناد دیپلماتیک و فرهنگی سازمان‌های اسناد ایران و ایتالیا، موافقتنامه‌ها و دیگر منابع کتابخانه‌ای به بررسی ابعاد و جلوه‌های این مناسبات پرداخته است. سؤال اصلی پژوهش این است که روابط فرهنگی دو کشور و نقش آن در سیاست فرهنگی و دیپلماسی عمومی این دوره چگونه بود و فرضیه آن است که این روابط فراتر از تشریفات، در خدمت نوسازی فرهنگی و مشروعیت‌بخشی به سیاست خارجی حکومت قرار داشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این روابط شامل امضای موافقتنامه فرهنگی ۱۳۳۷ش. و تشکیل کمیسیون‌های مشترک، فعالیت‌های گسترده مؤسسه ایزمئو در باستان‌شناسی و مرمت بناهای تاریخی ایران، تأسیس مؤسسات فرهنگی در تهران و رم، برگزاری نمایشگاه‌های هنر ایرانی در اروپا و نمایشگاه‌های ایتالیایی در ایران، همکاری‌های علمی و دانشگاهی در رشته‌هایی مانند معماری و زبان، حضور هنرمندان و گروه‌های موسیقی و اپرای ایتالیایی در ایران، ساخت تندیس مشاهیر ایرانی در رم و تولید آثار سینمایی مشترک بود. این فعالیت‌ها علاوه بر معرفی هنر و تمدن ایران به تثبیت موقعیت بین‌المللی حکومت پهلوی نیز کمک کرده است.

واژگان کلیدی:

ایران، ایتالیا، پهلوی دوم، روابط فرهنگی، دیپلماسی فرهنگی، تبادلات علمی، تبادلات آموزشی.



مقدمه

روابط ایران و ایتالیا از دیرباز بر بستری تاریخی و تمدنی استوار بوده است. این دو کشور، هر یک وارث دو امپراتوری بزرگ شرق و غرب، طی قرون متمادی در حوزه‌های سیاست، اقتصاد و فرهنگ با یکدیگر ارتباط داشته‌اند. این روابط که تا دوره معاصر نیز استمرار یافته است، در عصر پهلوی دوم در سال‌های پس از کودتای ۱۳۳۲ ش. تا سال ۱۳۵۷ ش. وارد مرحله‌ای تازه شد؛ مرحله‌ای که هم‌زمان با سیاست‌های نوسازی و غرب‌گرایی حکومت پهلوی، مناسبات فرهنگی ایران با اروپا به‌ویژه ایتالیا را ابعاد گسترده‌تری داد. چنانکه محمدرضا شاه در سخنرانی خود به سال ۱۳۵۳ ش. بر رابطه ممتد و فراتر از روابط عادی میان ایران و ایتالیا تأکید کرده بود که خود‌گویی اهمیت این تعاملات در نگاه رسمی حاکمیت است (اطلاعات، ۱۳۵۳/۹/۲۵، ش. ۱۴۵۸۶).

در همین چارچوب، از اواخر دهه ۱۳۳۰ ش. به بعد، روابط فرهنگی دو کشور عمیق‌تر شد. امضای موافقتنامه همکاری فرهنگی (۱۳۳۷ ش./ ۱۹۵۸ م.)، تأسیس مؤسسه فرهنگی ایتالیا در تهران (۱۳۴۲ ش./ ۱۹۶۳ م.) و افزایش اعزام دانشجویان ایرانی به دانشگاه‌های ایتالیا از مهم‌ترین پیامدهای این همکاری بودند. همچنین حضور فعال باستان‌شناسان ایتالیایی در ایران به‌ویژه مأموریت مؤسسه شرق‌شناسی ایتالیا^۱ برای باستان‌شناسی از سال ۱۹۵۷ م. و برگزاری نمایشگاه‌ها و رویدادهای هنری مشترک به پیوندهای فرهنگی دو کشور عمق بخشید. افزون بر این، برگزاری کنگره‌های ایران‌شناسی در رم، ترجمه شاهنامه به زبان ایتالیایی و نام‌گذاری میدان و نصب تندیس فردوسی در رم، همگی نشان از جایگاه ویژه ایران در فضای فرهنگی کشور ایتالیا داشت.

بنابراین، بررسی روابط فرهنگی ایران و ایتالیا طی سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۵۷ ش. نه‌تنها از منظر تاریخ فرهنگی و دیپلماسی عمومی اهمیت دارد، بلکه می‌تواند ابعدی از سیاست نوسازی و تعاملات بین‌المللی ایران در عصر پهلوی دوم را آشکار سازد و باید خاطر نشان کرد که تا پیش از سال ۱۳۳۲ ش. به خاطر وقایع متعدد سیاسی داخلی، تمرکز بر اینگونه روابط نبوده است. سؤال پژوهش حاضر این است که ابعاد و جلوه‌های اصلی روابط فرهنگی ایران و ایتالیا در دوره پهلوی دوم طی بازه زمانی ۱۳۳۲ تا ۱۳۵۷ ش. چه بوده است و این روابط چه نقشی در چارچوب سیاست فرهنگی و دیپلماسی عمومی حکومت پهلوی ایفاء کرده‌اند؟ فرضیه پژوهش این است که روابط فرهنگی ایران و ایتالیا در دوره پهلوی دوم صرفاً در سطح

^۱. Istituto italiano per il Medio ed Estremo Oriente (IsMEO)

نمادین و تشریفاتی باقی نمانده، بلکه در راستای سیاست نوسازی فرهنگی حکومت پهلوی عمل کرده، از یک سو به بازنمایی هویت فرهنگی ایران در عرصه بین‌المللی کمک کرده و از سوی دیگر در خدمت مشروعیت‌بخشی به سیاست خارجی و فرهنگی حکومت قرار گرفته است. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی با تکیه بر اسناد تاریخی در آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی و سازمان اسناد ریاست جمهوری ایتالیا، توافقی‌نامه‌ها و منابع کتابخانه‌ای در پی آن است که تصویری جامع‌تر از این مناسبات ارائه دهد و سهم آنها را در روند کلی سیاست فرهنگی ایران آشکار نماید.

پیشینه پژوهش

مطالعات موجود در باره روابط ایران و ایتالیا تنها در قالب چند اثر مستقل دنبال شده است. از مهم‌ترین آثار می‌توان به دو کتاب اشاره کرد: نخست، کتاب *تاریخ روابط ایران و ایتالیا (مناسبات سیاسی و فرهنگی) ۱۳۵۷-۱۳۲۰ش.* تألیف عمادالدین فیاضی (۱۳۹۴) که از سوی دانشگاه آزاد اسلامی منتشر شده است. این اثر عمدتاً به بررسی کلیات روابط و مناسبات با تکیه بر روابط سیاسی پرداخته و جزئیات مناسبات هنری را بررسی نکرده است. دوم، کتاب *روابط فرهنگی ایران و ایتالیا* به قلم مجید نجات‌پور، شادی جمالی و افشین کرمی (۱۳۹۶) که توسط نشر تکا و دانش‌نگار منتشر شده و با رویکردی گسترده‌تر، سیر روابط را از روزگار باستان تا دوره معاصر دنبال کرده است که مطالبی بیش از کتاب پیشین برای ارائه ندارد و حجم بخش مربوط به روابط فرهنگی دوره پهلوی در این اثر کم‌دامنه است. با وجود ارزش علمی این آثار، هر دو کتاب دارای محدودیت‌هایی هستند. نخست آنکه تکیه اصلی آنها پژوهش‌های پس از عصر مذکور است و در حوزه اسناد، تمرکز عمدتاً بر اسناد وزارت امور خارجه ایران بوده است. دیگر آنکه این پژوهش‌ها از بهره‌گیری منابع و اسناد آرشیوی ایتالیایی غفلت کرده‌اند و بدین ترتیب، نگاه دوسویه و تطبیقی به روابط فرهنگی ایران و ایتالیا کمتر دیده می‌شود. همچنین استفاده از اسناد داخلی نیز به شکل محدود و پراکنده صورت گرفته و گاه به طرح مباحث ناقص، زائد و تکراری انجامیده است.

پژوهش حاضر در پی آن است که این خلأها را تا حد امکان برطرف سازد. بر این اساس، علاوه بر اسناد آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران، از مجموعه اسناد آرشیو سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران، کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی

و نیز اسناد دیپلماتیک سازمان اسناد ریاست جمهوری ایتالیا بهره گرفته شده است. همچنین با پرهیز از مباحث زائد و تمرکز بر اسناد و رویدادهای کلیدی، تلاش شده تا تصویری دقیق تر و مستندتر از روابط فرهنگی ایران و ایتالیا در دوران پهلوی دوم طی سال‌های ۱۳۵۷-۱۳۳۲ ش. ارائه شود.

زمینه تاریخی روابط ایران و ایتالیا از آغاز سلطنت پهلوی دوم تا سال ۱۳۳۲ ش.

با اشغال ایران در شهریور ۱۳۲۰ ش. از سوی متفقین و پیوستن کشور به پیمان سه‌جانبه با انگلستان و شوروی در ۸ بهمن ۱۳۲۰ ش. روابط سیاسی ایران با آلمان و ایتالیا به عنوان دو عضو اصلی محور در جنگ جهانی دوم، قطع گردید و حتی اعلان جنگ علیه آنان صادر شد. این گسست پیامدهای سنگینی برای ایران در پی داشت؛ از جمله اخراج مستشاران و کارشناسان اروپایی به‌ویژه کارشناسان آلمانی و ایتالیایی (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران: س ۴-پ ۸۱-ک ۷۴-۱۳۲۰ ش.) که موجب شد اختلال جدی در روند نوسازی و توسعه کشور به وجود آید.

پس از پایان جنگ جهانی دوم، ایران و ایتالیا تمایل به ازسرگیری روابط نشان دادند. در تیر ماه ۱۳۲۵ ش. روابط سیاسی دو کشور مجدداً برقرار گردید و سفارت ایران در رم بازگشایی شد (ازغندی، ۱۳۹۲: ۴۳۸) و اندکی بعد، همکاری‌های فرهنگی نیز شکل گرفت. در سال ۱۳۲۸ ش. عباس اقبال آشتیانی به عنوان نخستین رایزن فرهنگی ایران در ایتالیا منصوب شد و مأموریت یافت تا علاوه بر پیگیری مناسبات فرهنگی، پژوهش‌هایی در کتابخانه واتیکان در باره ایران انجام دهد (آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران: س ۲/۲۷-پ ۵۵-ک ۱۶-۱۳۲۸ ش.)؛ اقدامی که نقطه آغاز جدی روابط فرهنگی میان دو کشور تلقی می‌شود.

گام بعدی در این مسیر، انعقاد عهدنامه مودت در سال ۱۳۲۹ ش. / ۱۹۵۰ م. بود. این عهدنامه که در یک مقدمه و شش ماده تنظیم شده بود (رستمی، ۱۳۹۷: ۶)، ضمن تسهیل روابط سیاسی و کنسولی، بر گسترش مبادلات فرهنگی، علمی و هنری نیز تأکید داشت و به منزله نقطه عطفی در توسعه مناسبات دو کشور شناخته شد. پیامدهای فرهنگی آن در ایران و ایتالیا آشکار بود: افزایش شمار دانشجویان ایرانی در دانشگاه‌های ایتالیا، رشد علاقه به فراگیری زبان فارسی در ایتالیا و ترجمه و انتشار آثار کلاسیک و معاصر ادبیات ایتالیایی به فارسی (ساکما، سند ش. ۲۲/۴۸۰/۲۹۷).

در حوزه سیاسی و اقتصادی نیز روابط دو کشور در این دوره روندی رو به گسترش یافت. در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت (۱۳۳۲-۱۳۳۰ ش.)، ایتالیا برخلاف بسیاری از متحدان غربی از

خواست ملت ایران حمایت کرد. در مجموع، روابط ایران و ایتالیا در فاصله سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۰ش. هر چند با گسستی ناشی از جنگ جهانی دوم آغاز شد، اما در مدتی کوتاه ابعاد سیاسی، اقتصادی و فرهنگی یافت و زمینه‌ساز شکل‌گیری روابط گسترده‌تر و ساختاری‌تر در دهه‌های بعدی شد.

روابط فرهنگی با ایتالیا در دهه ۱۳۳۰ش.

الف. زمینه‌های سیاسی و بین‌المللی روابط

دهه ۵۰ میلادی برای هر دو کشور ایران و ایتالیا دوره‌ای سرنوشت‌ساز و تعیین‌کننده به‌شمار می‌آمد. ایران پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و تثبیت حاکمیت محمدرضا پهلوی به یکی از متحدان اصلی ایالات متحده در خاورمیانه بدل شد. عضویت در پیمان بغداد (که بعدها به سنتو^۱ تغییر نام داد) نشان‌دهنده قرار گرفتن ایران در جبهه غرب علیه نفوذ کمونیسم بود (کدی، ۱۳۷۵: ۲۳۶). سیاست خارجی ایران در این مقطع بر پایه دکترین «ناسیونالیسم مثبت» شکل گرفت (پهلوی، ۱۳۵۵: ۲۳۴-۲۳۳)؛ رویکردی که هدف آن گسترش و تحکیم روابط با کشورهای غربی، فراتر از چارچوب سنتی ایالات متحده و بریتانیا برای متنوع‌سازی متحدان خارجی و تسریع فرآیند توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور بود. در مقابل، ایتالیا در همین دهه، تجربه دوره «معجزه اقتصادی» را از سر گذراند. این کشور که پس از فروپاشی فاشیسم در پی بازسازی وجهه بین‌المللی خود بود، تلاش می‌کرد جایگاهی فعال‌تر در عرصه سیاست جهانی بیابد (Toniolo & Crafts, 1996: 441). دولت‌های ایتالیا به‌ویژه تحت رهبری دموکرات-مسیحیان و شخصیت‌هایی چون آمینتوره فانفانی^۲ (از جمله امضاءکنندگان موافقتنامه فرهنگی) ضمن حفظ تعهد به پیمان آتلانتیک شمالی (ناتو)^۳ به دنبال برقراری پیوندهای نوین با کشورهای در حال توسعه و قدرت‌های منطقه‌ای نظیر ایران بودند.

ب. نقش سفرهای رسمی در گذار از روابط تشریفاتی به همکاری‌های عملیاتی

نخستین سفر رسمی یک مقام عالی‌رتبه ایتالیایی به ایران در شهریور ۱۳۳۶ش. صورت گرفت. در پی دعوت شاه، جیووانی گرونچی^۴ رئیس‌جمهور وقت ایتالیا به همراه همسرش کارلا^۵ و وزیر امور خارجه، جوزپه پلا^۶ طی روزهای ۱۶ تا ۲۱ شهریور همان سال به ایران

^۱. Central Treaty Organization

^۲. Amintore Fanfani

^۳. North Atlantic Treaty Organization

^۴. Giovanni Gronchi

^۵. Carla Gronchi

^۶. Giuseppe Pella

سفر کردند (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۶/۶/۱۷، ش. ۹۴۱۰). برنامه این سفر شامل دیدارهای متعدد گرونیچی با شاه، وزراء، برخی شخصیت‌های دربار و شهردار تهران بود. افزون بر این، ملاقات با جامعه ایتالیایی مقیم ایران، بازدید از موزه‌های باستان‌شناسی و مؤسسات نظامی و نیز انجام سفری کوتاه به شهر تاریخی اصفهان در دستور کار قرار داشت.

اطلاعیه صادر شده در جریان سفر رئیس‌جمهور ایتالیا به ایران در شهریور ۱۳۳۶ ش. از منظر روابط بین‌الملل، واجد اهمیت چندوجهی است. نخست، تأکید اطلاعیه بر «تأیید رسمی حُسن روابط» میان ایران و ایتالیا را می‌توان در چارچوب دیپلماسی نمادین ارزیابی کرد؛ چرا که این سفر نه تنها به منزله رویدادی دوجانبه، بلکه به‌عنوان پیامی آشکار به افکار عمومی بین‌المللی تلقی می‌شد. بدین‌سان دو کشور می‌کوشیدند تصویری از ثبات، دوستی و همگرایی ارائه دهند که فراتر از سطح روابط دوجانبه باشد و وجهه آنها را در عرصه جهانی تقویت کند. دوم، تأکید بر «اراده برای توسعه روابط متقابل و همکاری‌های عملی‌تر» نشان‌دهنده گذار از سطح روابط تشریفاتی به سمت مناسبات کارکردی بود (ساکما، سند ش. ۲۳۰/۳۳۲۷۸). این نکته از منظر تاریخی حائز اهمیت است، زیرا ایران دهه ۳۰ شمسی در پی گسترش روابط با اروپا به‌ویژه کشورهای مدیترانه‌ای بود تا از این طریق توازن بیشتری در مناسبات بین‌المللی خود ایجاد کند. برای ایتالیا نیز که پس از جنگ جهانی دوم در حال تثبیت موقعیت خویش به عنوان یک قدرت میانه در اروپا و مدیترانه بود، توسعه روابط با ایران در حکم دسترسی به بازاری رو به رشد و نیز تثبیت جایگاه سیاسی‌اش در خاورمیانه ارزیابی می‌شد.

این سفر بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های ایتالیایی داشت. حدود ۱۰ سردبیر از نشریات مهم و شماری از خبرنگاران برجسته برای پوشش این رویداد به ایران آمدند تا افکار عمومی ایتالیا را در جریان اهمیت تاریخی آن قرار دهند (ASPR¹, 1957, August 31). در همین چارچوب، به پیشنهاد دکتر احمد فرهادمعمد رئیس وقت دانشگاه تهران، اعطای دکترای افتخاری حقوق به رئیس‌جمهور گرونیچی در دانشگاه تهران پیش‌بینی شده بود (ASPR, 1957, February 15).

در پاسخ به سفر گرونیچی، محمدرضا شاه از ۶ آذر تا ۱۰ آذر ۱۳۳۷ ش. به ایتالیا سفر کرد (روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۷/۹/۶، ش. ۹۷۷۴ و ۱۳۳۷/۹/۱۰، ش. ۹۷۷۷). در این سفر، شماری از چهره‌های برجسته سیاسی و فرهنگی ایران شاه را همراهی می‌کردند، از جمله می‌توان به علی‌اصغر حکمت وزیر امور خارجه، موسی نوری اسفندیاری سفیر ایران در رم، شجاع‌الدین

¹. Archivio Storico della Presidenza della Repubblica

شفا مشاور فرهنگی و مطبوعاتی در دربار سلطنتی و همچنین رناتو گاردینی^۱ سفیر ایتالیا در تهران اشاره کرد که نقشی مهم در هماهنگی و پیشبرد ابعاد دیپلماتیک این سفر برعهده داشتند. شاه در سخنرانی خود در کاخ کوریناله^۲ رم بر توسعه همکاری‌های فرهنگی و علمی میان ایران و ایتالیا تأکید ویژه‌ای کرد و روابط فرهنگی و مدنی را نه به منزله حوزه‌ای مستقل، بلکه به مثابه مکمل همکاری‌های اقتصادی و صنعتی دانست. به نظر او، چنین روابطی اهمیت و ارزش بیشتری می‌یافتند، هنگامی که با کشوری مانند ایتالیا که همچون ایران از میراث تمدنی و هنری غنی برخوردار است، برقرار شود (ASPR, 1958, October 4؛ روزنامه اطلاعات، ۱۳۳۷/۹/۸، ش. ۹۷۷۵).

ج. نهادهای همکاری‌های فرهنگی از طریق موافقتنامه ۱۳۳۷ش.

حاصل این سفر برای هر دو کشور توافقی بر پایه روابط فرهنگی بود که در تاریخ ۸ آذر ۱۳۳۷ش. در رم میان وزرای امور خارجه ایران و ایتالیا، علی‌اصغر حکمت و آیمنینتوره فانفانی به امضاء رسید. برای ایتالیا، این نخستین پیمان فرهنگی با یک کشور خاورمیانه به‌شمار می‌رفت (La Stampa, 1958). موافقتنامه شامل یک مقدمه و سیزده ماده بود و لایحه آن در تاریخ اردیبهشت ۱۳۳۸ش. به مجلس سنا ارائه گردید و به مجلس شورای ملی ایفاد شد (کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی، ۱۳۳۸، شماره مدرک: ۱۹/۵۵/۲/۱/۲۹۸ق؛ همان، ۱۳۳۹-۱۳۳۷، شماره مدرک: ۶۳۱۵-۱۱۴۱).

قرارداد فرهنگی سال ۱۳۳۷ش. میان ایران و ایتالیا را می‌توان نمونه‌ای روشن از هم‌پوشانی فرهنگ و سیاست در روابط بین‌الملل دانست. این موافقتنامه با هدف نهادهای همکاری‌های فرهنگی، علمی و هنری تنظیم شد و فراتر از یک توافق اجرایی صرف به مثابه ابزاری راهبردی برای هر دو کشور عمل کرد. تشکیل «کمیسیون مختلط فرهنگی» و ایجاد مؤسسات مشترک نشانگر تلاشی برای تثبیت یک سازوکار پایدار بود که روابط را از سطح رویدادهای نمادین به سطحی کارکردی ارتقاء می‌داد. برای ایران پهلوی، همکاری نهادی با کشوری که در ادبیات رسمی، «کانون تمدن غرب» معرفی می‌شد، نوعی تأیید بین‌المللی بر روند مدرنیزاسیون و ابزاری برای تحکیم جایگاه خود در بلوک غرب به‌شمار می‌آمد.

بخشی مهم از این قرارداد به تبادل استادان و دانشجویان و ایجاد کرسی‌های دانشگاهی اختصاص یافته بود؛ مفادی که در راستای برنامه‌های توسعه ایران عمل کرد و به پرورش

^۱. Renato Gardini

^۲. Palazzo del Quirinale

نیروی انسانی متخصصی انجامید که هسته اصلی ساختار بوروکراتیک و تکنوکراتیک حکومت را تشکیل دادند. اگر چه رابطه نامتقارن بود، اما برای هر دو طرف سودمند محسوب می‌شد: ایران به علوم و فناوری غربی دست یافت و ایتالیا با نفوذ در نسل آینده نخبگان ایرانی جایگاهی پایدار برای خود ایجاد کرد. ابعاد دیگری از قرارداد به دیپلماسی عمومی تعلق داشت. ترجمه آثار، برگزاری نمایشگاه‌ها و تبادل محصولات فرهنگی ابزارهایی برای بازنمایی هویت ملی دو کشور بودند. ایران می‌کوشید تصویری از «تمدنی کهن و پویا» ارائه دهد و از نقش صرفاً نفتی فاصله گیرد، در حالی که ایتالیا با صدور فرهنگ و سبک زندگی خود، چهره‌ای مدرن و جذاب عرضه می‌کرد که به طور غیرمستقیم زمینه‌ساز گسترش نفوذ اقتصادی آن نیز می‌شد.

موافقتنامه فرهنگی میان ایران و ایتالیا با انتقاداتی نیز مواجه شد. منتقدان بر این باور بودند که محتوای آموزشی ارائه‌شده در مدارس تابع اینگونه توافقات می‌تواند بر هویت ملی و روند تربیت دانش‌آموزان تأثیرگذار باشد و از این رو، ضرورت نظارت جدی وزارت فرهنگ ایران بر فعالیت این مدارس اجتناب‌ناپذیر می‌نمود. برای مثال، تدریس تاریخ و فرهنگ ایتالیا در مدارس خارجی ایران - که برای دانش‌آموزان ایتالیایی اجباری است، اما برای کودکان ایرانی ضرورتی ندارد - می‌توانست باعث انحراف نظام آموزشی و کم‌توجهی به نیازهای بومی شود. بر همین اساس تأکید می‌شد که مفاد اینگونه موافقتنامه‌ها باید طوری تنظیم و اجراء شود که منافع آموزشی و فرهنگی ملت ایران را تأمین کند. با توجه به اینکه بخش قابل‌توجهی از مدارس خارجی در ایران برنامه‌هایی را ارائه می‌کردند که لزوماً با نیازهای جامعه ایران سازگاری نداشت، ضرورت داشت که محتوای درسی آنان متناسب با شرایط و مصالح کشور اصلاح شود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۳۶۳). گزارش کمیسیون فرهنگ در خصوص موافقتنامه فرهنگی ایران و ایتالیا تصویب شد و ماده واحده‌ای در این باره به دولت ابلاغ شد (همان، جلسه ۳۹۷). افزون بر آن، مقرر شد برای اجرای مؤثر این قرارداد، امکانات لازم جهت اعزام محصلان و دانشجویان ایرانی به مؤسسات علمی و فنی ایتالیا فراهم شود (مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم، جلسه ۲۴۷). در نهایت، این قرارداد یک معامله استراتژیک بود: ایران با پذیرش نفوذ فرهنگی غرب از آن برای تسریع مدرنیزاسیون و کسب مشروعیت بین‌المللی بهره گرفت و ایتالیا با اتکاء به سرمایه فرهنگی خود مسیر نفوذ اقتصادی و سیاسی در خاورمیانه را هموار ساخت.

د. همکاری‌های باستان‌شناسی و مرمتی در چارچوب قرارداد فرهنگی ۱۳۳۷ش.

۱. نقش ایزمئو در باستان‌شناسی و مرمت آثار تاریخی ایران

یکی از شاخص‌ترین حوزه‌های همکاری ایران و ایتالیا در دوره پهلوی بر پایه قرارداد فرهنگی سال ۱۳۳۷ش. در عرصه باستان‌شناسی بود. مهم‌ترین مؤسسه باستان‌شناسی ایتالیایی که در ایران به فعالیت پرداخت، "مؤسسه ایتالیایی برای خاورمیانه و خاور دور"^۱ به اختصار ایزمئو^۲ است؛ این مؤسسه در سال ۱۹۳۳م. به ابتکار جوزپه توجی^۳ و با فرمان سلطنتی تأسیس شد. نخستین رئیس این مؤسسه جووانی جنتیله^۴ فیلسوف و وزیر فرهنگ دولت موسولینی بود که با پشتیبانی او، توجی در منصب نایب‌رئیس اجرایی قرار گرفت. هدف رسمی مؤسسه نیز گسترش روابط فرهنگی ایتالیا با آسیا و تقویت حضور سیاسی و اقتصادی آن کشور عنوان شد (Panaino, 2007).

فعالیت‌های اصلی مؤسسه ایزمئو در ایران عمدتاً بر مأموریت‌های باستان‌شناسی و مرمتی متمرکز بود. دولت ایران، از طریق سازمان ملی حفاظت از آثار تاریخی و بخش باستان‌شناسی وزارت فرهنگ و هنر، مطالعه و مرمت شماری از مهم‌ترین و شناخته‌شده‌ترین بناها و یادمان‌های تاریخی کشور در سیستان، اصفهان و تخت جمشید را به این مؤسسه واگذار کرد (ساکما، سند ش. ۲۹۷/۴۸۰۲۲: ۶). تمرکز اصلی مأموریت‌های ایتالیایی‌ها سه حوزه جغرافیایی سیستان، فارس و اصفهان را در بر می‌گرفت.

۲. کاوش‌های ایزمئو در سیستان و کشف میراث تمدن هیرمند

در سیستان، پژوهش‌ها عمدتاً به سرپرستی جوزپه توجی، ج. گولینی^۵ و شرآتو^۶ انجام شد (ساکما، سند ش. ۱۲۶۳۳۲/۲۴۰: ۵). آنان با اتکاء به سنت پژوهش‌هایی که از آغاز قرن بیستم میلادی توسط اورل اشتاین^۷ و ارنست هرتسفلد^۸ شکل گرفته بود، کاوش‌های گسترده‌ای را سامان دادند. مهم‌ترین دستاورد این فعالیت‌ها کاوش در محوطه‌هایی چون شهر سوخته، دهانه غلامان، کوه خواجه، قلعه‌سام، قلعه‌تپه، تپه شهرستان و بی‌بی‌دوست بود.

¹. Istituto Italiano per il Medio ed Estremo Oriente

². IsMEO

³. Giuseppe Tucci

⁴. Giovanni Gentile

⁵. Giorgio Gullini

⁶. Umberto Scerrato

⁷. Sir Marc Aurel Stein

⁸. Ernst Herzfeld

کوه خواجه در هامون هیرمند یکی از نخستین مکان‌هایی بود که مورد توجه قرار گرفت. کاوش‌ها نشان داد که این مجموعه کاخ-معبد، افزون بر ریشه‌های احتمالی هخامنشی، عمدتاً به دوره هلنیستی-پارتی تعلق دارد. کشف کتیبه‌های یونانی بر روی اُستراکاهای به‌دست‌آمده از قلعه‌سام نیز به تعیین تاریخ این دژ در سده‌های سوم و دوم پیش از میلاد کمک کرد (Genito, 2007). اهمیت دیگر فعالیت‌های باستان‌شناسان ایتالیایی در سیستان بررسی قلعه‌تپه بود که تداوم استقراری آن از دوره پارتی تا سده‌های میانه اسلامی آشکار شد (Genito, 2023: 2-4).

در میان محوطه‌های کاوش شده به سرپرستی توجی شهر سوخته جایگاهی ممتاز یافت (ساکما، سند ش. ۲۳۰/۳۹۲۰۹: ۱۰). این مرکز پیشاتاریخی که از اواخر هزاره چهارم پیش از میلاد شکل گرفته بود، شبکه‌ای پیچیده از روابط فرهنگی با ترکمنستان جنوبی، قندهار، بلوچستان، بَمپور و حتی مراکز ایلامی آغازین خوزستان و فارس داشت. در دوره‌های بعدی نیز پیوندهای این مرکز با فرهنگ‌های پیش‌هاراپایی دره سند و همچنین با منطقه بدخشان در تجارت لاجورد گسترش یافت، تا جایی که پژوهشگران از «تمدن هیرمند» به عنوان یکی از کانون‌های مهم فرهنگی منطقه یاد کرده‌اند. در دوره‌های سوم و چهارم استقرار شهر، تحولات معماری، تمرکز صنایع دستی به‌ویژه کارگاه‌های تراش سنگ‌های نیمه‌قیمتی و نشانه‌های تمایزات اجتماعی-اقتصادی در نظام تدفین آشکار شد. افزون بر این، کشف مجموعه‌ای غنی از مصنوعات چوبی، شهر سوخته را به یکی از منحصربه‌فردترین نمونه‌های مطالعات شهری در خاورمیانه پیشاتاریخی بدل ساخت (Genito, 2007).

کشف محوطه دهانه غلامان در سال ۱۹۶۲م. نیز افق تازه‌ای در مطالعات هخامنشی گشود. این شهر که در شمال شرق شهر سوخته شناسایی شد، به عنوان پایتخت باستانی زرنگ (ذکرشده در کتیبه‌های هخامنشی) شناخته شد (Scerrato, 1966: 11). ویژگی برجسته دهانه غلامان، طراحی شهری آن با خیابان‌های منظم، خانه‌ها و بناهای عمومی است که نمونه‌ای کم‌نظیر از شهرسازی دوره هخامنشی به‌شمار می‌رود. وجود ساختمان شماره ۳ با بقایای تأسیسات آتش‌محور، احتمال وجود یک مرکز آئینی مرتبط با سنت‌های اولیه آتش‌پرستی را تقویت کرد (Gnoli, 2015). کارکردهای متنوع این شهر مذهبی، اقتصادی، نظامی و مدنی، نشان‌دهنده فرآیند ادغام تدریجی سیستان در ساختار اداری-سیاسی شاهنشاهی هخامنشی بود.

۳. پروژه‌های مرمتی ایزمئو در تخت جمشید و اصفهان

اهمیت مأموریت‌های ایزمئو صرفاً به کاوش‌های سیستان محدود نمی‌شد، در فارس و اصفهان نیز این مؤسسه نقشی مهم در پروژه‌های مرمت ایفاء کرد. از سال ۱۹۶۰م. برنامه‌ای نظام‌مند برای حفاظت و بازسازی میراث فرهنگی بسیاری از کشورها در دستور کار ایزمئو قرار گرفت و ایران نیز جایگاهی برجسته در این برنامه داشت. در این چارچوب، پروژه‌های مرمت در تخت جمشید و اصفهان به اجراء درآمد. فعالیت‌های مرمتی در تخت جمشید نه تنها به تثبیت و حفاظت از آثار معماری انجامید، بلکه زمینه‌ای برای شناخت بهتر ساختارهای ساختمانی و تزئینی مجموعه فراهم آورد، از دیگر جنبه‌های مهم این پروژه آن بود که جوزپه تیلیا^۱ سرپرست تیم حفاظت و مرمت، گروهی از استادکاران ایرانی را در فنون حفاظت و مرمت آموزش داد، این آموزش‌ها سبب شد که طرح‌های وی حتی پس از ترک محوطه در سال ۱۳۵۸ش. نیز ادامه یابد (Tilia, 1978). در اصفهان نیز تمرکز بر مرمت ابنیه تاریخی به‌ویژه بناهای صفوی بود که در بازشناسی ارزش‌های هنری این شهر سهمی چشمگیر داشت (جبل عاملی، ۱۳۹۲: ۶۵-۶۳).

۴. انتشار علمی و بازتاب جهانی مأموریت‌های ایزمئو

نتایج فعالیت‌های علمی مذکور از سال ۱۹۶۰م. به بعد از طریق مجموعه‌های علمی تازه‌ای منتشر شد که «گزارش‌ها و یادداشت‌ها» در دو مجموعه بزرگ و کوچک و نیز «مرمت‌ها» در دو قالب مشابه از آن جمله بودند. این انتشارات بستری برای انتقال یافته‌های میدانی به جامعه علمی بین‌المللی فراهم ساخت و جایگاه ایران را در نقشه باستان‌شناسی جهانی بیش از پیش برجسته کرد.

با گذشت زمان، مأموریت‌های ایتالیایی در ایران، افزون بر غنای علمی خود، نقشی مؤثر در معرفی میراث ایران به جامعه جهانی ایفاء کردند. برآیند این فعالیت‌ها، روشن‌سازی جایگاه سیستان در تاریخ فرهنگی و سیاسی ایران، بازشناسی شهرسازی هخامنشی و ارائه الگوهای تازه در فهم تمدن‌های هزاره سوم پیش از میلاد بود. افزون بر آن، برنامه‌های مرمت در فارس و اصفهان سهم اساسی در صیانت از میراث تاریخی ایران داشت. این همکاری‌ها نه تنها جلوه‌ای از دیپلماسی فرهنگی میان ایران و ایتالیا محسوب می‌شد، بلکه در گسترش مرزهای دانش باستان‌شناسی و حفاظت میراث جهانی نیز نقشی ماندگار ایفاء کرد.

^۱. Giuseppe Tilia

۵. ایزمئو و معرفی هنر و تمدن ایران در اروپا

ایزمئو نقشی مهم در گسترش مطالعات تاریخ و فرهنگ ایران در ایتالیا ایفاء کرد. از جمله ابتکارات شاخص این مؤسسه، برگزاری دو نمایشگاه بزرگ بود: نخست در سال ۱۹۵۶م. در رم با عنوان «نمایشگاه هنر ایرانی» و سپس در سال ۱۹۶۳م. در میلان با عنوان «هفت هزار سال هنر ایرانی». این اقدامات به‌ویژه با مدیریت جوزپه توجی که از ۱۹۴۷ تا ۱۹۷۸م. ریاست ایزمئو را برعهده داشت، به ثمر رسید. توجی از سال ۱۹۴۹م. در قالب پژوهشی در باره تاریخ روابط فرهنگی ایتالیا با شرق، مطالعات خود را بر ایران متمرکز کرده بود. توجی به عنوان مدیر ایزمئو، نقش چشمگیری در سازماندهی نمایشگاه‌ها، تدوین دانشنامه‌ها، انجام مطالعات تاریخی و نیز انتشار و ترجمه آثار مرتبط با ایران ایفاء کرد. به همین دلایل، نخستین کنگره اروپایی ایران‌شناسی در سال ۱۹۸۳م. در ایزمئو برگزار شد که ریاست آن برعهده گرادو نیولی^۱ بود. در آنجا اولین انجمن اروپایی ایران‌شناسی تأسیس شد و همین انجمن میزبان اولین کنفرانس اروپایی مطالعات ایران از ۷ تا ۱۱ سپتامبر ۱۹۸۷م. در تورین بود (Piemontese & Keddie, 1987: 109).

۵. مراکز فرهنگی ایرانی - ایتالیایی

۱. همکاری و دوستی شفا و توجی: محور تازه روابط فرهنگی

در چارچوب فعالیت‌های فرهنگی دوجانبه، جوزپه توجی، رئیس مؤسسه ایزمئو در سفری چهار روزه به ایران آمد؛ سفری که از جنبه‌های نمادین و عملی اهمیت فراوان داشت. او در این سفر مدال افتخار جمهوری ایتالیا، اهداء شده از سوی جیوانی لئونه را برای شجاع‌الدین شفا - مشاور فرهنگی دربار ایران و نخستین مترجم فارسی کمدی الهی دانته - همراه آورد؛ مدالی که روز بعد طی مراسمی در سفارت ایتالیا در تهران به وی اعطاء شد (ساکما، سند ش. ۲۶۴/۲۴۷۴۶: ۴۰). شفا نخستین ایرانی بود که این نشان رسمی جمهوری ایتالیا را دریافت کرد و این امر نمادی از اهمیت متقابل فرهنگ و دیپلماسی در مناسبات دو کشور محسوب می‌شد.

اهمیت این رویداد را می‌توان از منظر فرهنگی و دیپلماتیک در دو محور اصلی بررسی کرد. نخست آنکه، اعطای مدال به شجاع‌الدین شفا بیانگر ارج‌گذاری به نقش شخصیت‌های فرهنگی به‌عنوان واسطه‌های مؤثر در گسترش مناسبات فراملی بود. شفا در سال‌های بعد به

^۱. Gherardo Gnoli

یکی از چهره‌های محوری در تقویت همکاری‌های فرهنگی ایران با دیگر کشورها به‌ویژه ایتالیا بدل شد. علاقه عمیق او به فرهنگ ایتالیا و آشنایی گسترده با متون ادبی و فلسفی آن، توانایی‌اش را در ایجاد پیوندهای فرهنگی ثمربخش دوچندان ساخت. دوم آنکه، دوستی و همکاری نزدیک میان شفا و توچی، سطح تازه‌ای از تعاملات فرهنگی ایران و ایتالیا را پدید آورد که پیش‌تر سابقه نداشت (ساکما، سند ش. ۲۶۴/۲۴۷۴۶: ۲). در حالی که انریکو ماتئی^۱ به عنوان شخصیت کلیدی احیای همکاری‌های اقتصادی شناخته می‌شود (نعمتی و داوودندی، ۱۴۰۴: ۱۵۱)، شفا و توچی می‌توانند به عنوان محورهای اصلی احیای روابط فرهنگی بین دو کشور تلقی شوند (ساکما، سند ش. ۲۶۴/۲۷۱۷۲: ۴-۵).

۲. فعالیت‌ها و توسعه مؤسسات فرهنگی ایران و ایتالیا

در سال ۱۳۳۹ش. مرکز فرهنگی ایتالیایی تهران به دست جوزپه توچی تأسیس شد. دو سال بعد، این مرکز به مؤسسه فرهنگی ایتالیا تبدیل شد. در ۱۲ آبان ۱۳۴۶ش. انجمن ایتالیایی-ایرانی نیز تأسیس شد (ASPR, n.d). مؤسسه فرهنگی ایتالیا با هدف «ایجاد تأثیر سازمان‌یافته در جهان ایرانی»، راهبرد همکاری مؤثر را برگزید و نه تبلیغات صرف را (ASPR1, 1970 settembre) و در همین زمینه چنین آمده است که: «مؤسسه فرهنگی تلاش می‌کند تا برنامه‌های خود را با همکاری شایسته‌ترین نهادهای ایرانی ترویج کند و سعی دارد فعالیت خود را نه در سطح تبلیغات صرف فرهنگی، بلکه به عنوان مشارکت در یک فعالیت پژوهشی و تلاش برای پیشرفت مشترک ارائه دهد که می‌تواند مورد علاقه فرهیختگان هر دو کشور باشد. از این رو، همدلی ایرانیان با ابتکارات مختلف ما، از نمایش‌های فیلم گرفته تا نمایشگاه‌های هنر باستانی و مدرن، از سمینارها تا کنفرانس‌ها و کنسرت‌ها ناشی می‌شود» (ASPR1, 1975 dicembre).

در میانه دهه ۱۳۵۰ش. / ۱۹۷۰م. مؤسسه ایتالیایی خاورمیانه و شرق دور (ایزمئو) دامنه فعالیت‌های خود را فراتر از حوزه‌های باستان‌شناسی و مرمت گسترش داد و به تقویت همکاری‌های علمی-آموزشی با مراکز دانشگاهی ایران روی آورد. یکی از مهم‌ترین عرصه‌های این همکاری، دانشکده معماری دانشگاه تهران بود که در آن، استادان ایتالیایی به تدریس مباحث تخصصی مرتبط با معماری و حفاظت آثار تاریخی می‌پرداختند. در کنار این تعامل علمی، ایزمئو از طریق اعزام مدرسان زبان، مسئولیت آموزش زبان ایتالیایی را نیز در

^۱. Enrico Mattei

همان دانشگاه برعهده گرفت (ASPR2, 1975 dicembre). این ابتکار، نه تنها به تقویت پیوندهای علمی میان ایران و ایتالیا یاری رساند، بلکه بستر مناسبی برای انتقال دانش تخصصی و گسترش دیپلماسی فرهنگی فراهم آورد.

در مقابل، در دهه ۱۹۶۰ میلادی بر اساس توافق فرهنگی فوق‌الذکر، مؤسسه فرهنگی ایرانی در رم تأسیس شد که در ساختمان سفارت واقع شده بود (Casari, 2007). بر پایه اسناد، گرچه تأسیس رسمی آن با تنظیم سند دفترخانه‌ای در تاریخ ۲۰ ژوئن ۱۹۷۵ م. تحقق یافت، اما فعالیت‌های واقعی و مستمر آن از مدتی پیش و به طور مستقیم تحت حمایت مالی و اداری سفارت ایران در رم آغاز شده بود. این مرحله مقدماتی شامل تأمین کامل هزینه‌های زیرساختی از جمله اجاره مقر در خیابان آلستاندرو تورلونیا^۱، پرداخت حقوق کارکنان (یک کارشناس ایرانی، دو منشی و یک فراش) و تهیه تجهیزات اداری از سوی سفارت ایران بود (ساکما، سند ش. ۲۶۴/۲۶۷۶۳).

مرکز با آغاز مدیریت رسمی از اول اکتبر ۱۹۷۵ م. وارد مرحله‌ای جدید شد و ساختارهای مالی و برنامه‌ریزی آن تثبیت یافت. افتتاح حساب رسمی مرکز در بانک رم و تخصیص بودجه‌ای بالغ بر بیش از ۱۵ میلیون لیره از سوی دولت ایران، همراه با مشارکت نمادین محافل فرهنگی ایتالیا (از جمله کمک شخصی رئیس مرکز مطالعات لاتزیو)، بیانگر شکل‌گیری نوعی همکاری مالی و معنوی مشترک میان دو کشور بود (ساکما، سند ش. ۲۶۴/۲۶۷۶۳).

کارکردهای اصلی مرکز طی این دوره را می‌توان در سه محور عمده دسته‌بندی کرد:

۱. **برگزاری دوره‌های آموزش زبان فارسی:** با مشارکت مستقیم سفارت ایران، دوره‌های آموزش زبان فارسی با پشتیبانی مالی ماهانه برگزار شد و برنامه‌های منظم شامل آزمون کتبی و شفاهی و اهدای انتشارات فارسی به دانشجویان داشت. این فعالیت نه تنها به ترویج زبان فارسی در ایتالیا کمک کرد، بلکه بُعد آموزشی مرکز را ارتقاء داد.
۲. **تبادل و توزیع منابع علمی و ادبی:** مرکز نقشی فعال در انتقال نشریات و مجلات هنری و ادبی فارسی به کتابخانه‌ها، مؤسسات تخصصی و ایران‌شناسان برجسته ایتالیایی همچون جوزپه توچی و الساندرو بائوزانی^۲ ایفاء کرد؛ این اقدام زمینه‌ساز تقویت مطالعات ایران‌شناسی در ایتالیا شد.
۳. **سازماندهی رویدادهای فرهنگی و علمی:** نشست‌های تخصصی، نمایش فیلم‌ها و مستندها، معرفی دستاوردهای علمی و تاریخی ایران و نیز برنامه‌ریزی برای

^۱. Alessandro Torlonia Street

^۲. Alessandro Bausani

برگزاری نمایشگاه‌های هنری از جمله نمایشگاه قالی‌های لری و بختیاری، بخشی از تلاش‌های مرکز در جهت معرفی تمدن ایران به جامعه ایتالیایی بود.

مدیریت مرکز در ارزیابی عملکرد خود با وجود محدودیت‌هایی مانند کوچکی سالن اصلی، بر این نکته تأکید می‌کرد که فعالیت‌ها باید هدفمند، منظم و بر پایه استقلال نهادی تداوم یابند. همچنین پیشنهاد گسترش فعالیت‌ها به خارج از رم و همکاری با نهادهای فرهنگی شهرهای دیگر ایتالیا مطرح شد که نشان از نگاه راهبردی مرکز به آینده داشت (ساکما، سند ش. ۲۶۴/۲۶۷۶۳).

و. همکاری‌های بین‌المللی در مرکز فرهنگی ایران و ایتالیا در دهه ۱۳۵۰ش.

فعالیت‌های مرکز فرهنگی ایران و ایتالیا در دهه ۱۳۵۰ش. (۱۹۷۷-۱۹۷۰م.) نمونه‌ای برجسته از همکاری میان ایران و ایتالیا در حوزه فرهنگ، آموزش و پژوهش‌های ایران‌شناسی و تاریخ ادیان بود. این مرکز با حمایت مالی مستقیم دولت ایران و همکاری سفارت ایران در رم توانست نقش کلیدی در گسترش مطالعات بین‌المللی ایران‌شناسی و معرفی میراث فرهنگی ایران در اروپا ایفاء کند.

یکی از محورهای اصلی فعالیت‌های مرکز، برگزاری سمینارها و کنفرانس‌های بین‌المللی با موضوع ایران‌شناسی و مطالعات میترایی بود. نمونه مهم آن، سمینار «ویژگی‌های تاریخی-مذهبی اسرار میترایی با تمرکز بر منابع مستند رومی و اوستی» در رم بود که اعضای انجمن مطالعات میترایی و پژوهشگران برجسته اروپایی در آن حضور داشتند. کتابخانه پهلوی ضمن تأمین هزینه‌های اجاره فضا، چاپ و توزیع مقالات، کمک‌هزینه اقامت شرکت‌کنندگان و حمل‌ونقل آنان، نقش سازمان‌دهنده و حامی مالی اصلی را ایفاء کرد. مکاتبات موجود نشان می‌دهد که مدیریت کتابخانه پهلوی با دقت و هماهنگی با سفارت شاهنشاهی، فرآیند تخصیص بودجه و هماهنگی اجرایی را به طور کارآمد مدیریت کرد (ساکما، ۱۳۵۶، سند ش. ۲۶۴/۲۶۷۶۳).

علاوه بر حمایت مالی، کتابخانه پهلوی نقش واسطه علمی را نیز برعهده داشت و از طریق ایجاد شبکه‌ای بین‌المللی، ارتباط میان محققان ایرانی و اروپایی را تسهیل کرد. این مرکز با انتشار بولتن‌های علمی، چاپ مقالات و تأمین منابع پژوهشی، زمینه‌ای برای تبادل علمی و ارتقای مطالعات میترایی فراهم ساخت و همچنین با کمک به ترجمه و چاپ متون کلاسیک فارسی، نقشی مهم در انتقال دانش ایران‌شناسی به زبان ایتالیایی ایفاء کرد.

فعالیت‌های آموزشی مرکز نیز قابل توجه بود. دوره‌های زبان فارسی شامل کلاس‌های مقدماتی، پیشرفته و مکالمه با تدریس اساتید مجرب برگزار شد و توانست دانشجویان و پژوهشگران را برای مطالعات میدانی در ایران آماده سازد. هر چند محدودیت فضا و نیروی انسانی، امکان گسترش بیشتر فعالیت‌ها را محدود می‌کرد، کیفیت دوره‌ها و توجه به آموزش جوانان همواره حفظ شد. مرکز فرهنگی همچنین با برگزاری سلسله کنفرانس‌های هفتگی و نمایشگاه‌های تخصصی، موضوعات متنوع ایران‌شناسی، تاریخ ادیان، معماری ارمنی در ایران، هنرهای سنتی و متون کلاسیک فارسی را پوشش داد. حضور شخصیت‌های علمی و فرهنگی ایران و ایتالیا از جمله اساتید دانشگاه‌ها و مقامات سفارتخانه‌های دو کشور، اهمیت این فعالیت‌ها را نشان می‌دهد.

بخش مهم دیگر مربوط به مطالعات زبان، فرهنگ و تاریخ ایران در ایتالیا (ایران‌شناسی) بود. آکادمی ملی لینیچی^۱ در طول دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی کنگره‌های بین‌المللی بسیار مهم را سازماندهی کرد: اولین کنگره به موضوع روابط تاریخی بین ایران و جهان یونانی-رومی پرداخت؛ در حالی که کنگره دیگری به وضعیت ایران در دوره ساسانی و در طول قرون وسطی اسلامی اختصاص داشت. همچنین در طول دهه ۷۰ میلادی، جلسات بین‌المللی اختصاص داده شده به شاعران کلاسیک فارسی در بنیاد کامیلو کائتانی^۲ که با آکادمی لینیچی^۳ نیز مرتبط بود، برگزار شد که از آن جمله نشست‌هایی با محوریت مولوی (۱۹۷۴م)، نظامی (۱۹۷۵م)، حافظ (۱۹۷۶م)، عطار (۱۹۷۷م) و سنایی (۱۹۷۸م) بود (Piemontese & Keddie, 1987: 109). در ترویج این ابتکارات، انریکو چرولی^۴، معاون وقت رئیس آکادمی و سفیر سابق ایتالیا در تهران نقشی مهم داشت.

از منظر مدیریتی، مرکز با چالش‌های بودجه‌ای و محدودیت فضا مواجه بود، اما با مدیریت دقیق و هماهنگی میان سفارت و کارشناسان فرهنگی، برنامه‌ها به طور مستمر و با کیفیت اجراء شد. بودجه اصلی از سوی دولت ایران تأمین می‌شد و کمک‌های مکمل امکان پاسخگویی به نیازهای فوری و چاپ متون را فراهم ساخت. مرکز فرهنگی ایران و ایتالیا و حمایت کتابخانه ملی پهلوی نمونه‌ای موفق از همکاری فرهنگی بین‌المللی بود که علاوه بر گسترش مطالعات ایران‌شناسی و میترائیسم در اروپا، شبکه‌ای پایدار از ارتباطات علمی و فرهنگی میان دو کشور ایجاد کرد و زمینه را برای معرفی و ترویج فرهنگ و تاریخ ایران در سطح بین‌المللی فراهم آورد.

1. Accademia Nazionale Dei Lincei

2. Fondazione Camillo Caetani

3. Accademia Dei Lincei

4. Enrico Cerulli

ز. مدارس ایتالیایی در ایران

حضور مدرسین و معلمان ایتالیایی در ایران به دوره قاجار بازمی‌گردد؛ چندین معلم ایتالیایی در دارالفنون، مدرسه‌ای که در سال ۱۸۵۱م. به دست میرزا تقی خان امیرکبیر در تهران تأسیس شد، تدریس می‌کردند. از جمله این افراد می‌توان به کاپیتان زاتی^۱ مدرس مهندسی و فوجتی^۲ مدرس فیزیک و شیمی اشاره کرد که از تأسیس دارالفنون تا سال ۱۸۶۲م. در آنجا فعالیت می‌کردند. فوجتی همچنین در مأموریت فرخ خان غفاری به ایتالیا در سال ۱۸۵۸م. او را همراهی کرد. برخی از مدرسین نظامی ایتالیایی از جمله میکله ماترازو^۳ و برادرش فرانچسکو ماترازو^۴، لوئیچی پشه^۵ و انریکو آندره‌ینی^۶ نیز گاه‌به‌گاه در دارالفنون تدریس می‌کردند (Casari, 2007).

شکل‌گیری هسته‌های آموزشی ایتالیایی در ایران به فعالیت‌های مبلغان سالیزی بازمی‌گردد که از سال ۱۹۳۶م. در ایران حضور و فعالیت داشتند. بیشتر این مدارس به کلیسا وابسته باقی ماندند و ابعادشان متناسب با کوچکی جوامع مذهبی محلی بود. این مدرسه هم‌زمان با ورود مبلغان به پایتخت و در ابتدا به عنوان بخشی از کلیسای کنسولاتا^۷، کلیسای جامع کاتولیک رومی تأسیس شد. مدرسه در جریان جنگ جهانی دوم تعطیل شد، اما در سال ۱۹۴۴م. دوباره بازگشایی شد و پس از چند جابه‌جایی، سرانجام در سال ۱۹۵۸م. در ساختمانی ویژه بر روی تپه اندیشه تهران مستقر شد. این مرکز آموزشی به نام کالج دون بوسکو^۸ شهرت یافت (Casari, 2007).

پروژه‌های گسترده عمرانی و همکاری‌های اقتصادی در این دهه موجب شد تا جمعیت ایتالیایی مقیم ایران از اندکی بیش از یک هزار نفر در سال ۱۹۷۰م. به حدود پانزده هزار نفر در سال ۱۹۸۷م. برسد. این رشد چشمگیر، ساختار اجتماعی جامعه ایتالیایی ایران را نیز تغییر داد؛ بدین معنا که ترکیب آنان از مدیران، تکنسین‌ها و کارگران شرکت‌های بزرگ صنعتی و نفتی شکل می‌گرفت که در پروژه‌های مشترک ایران و ایتالیا از جمله در حوزه نفت و گاز مشارکت داشتند. در همین چارچوب، مقامات ایرانی در دیدارهای دیپلماتیک با

1. Zatti

2. Fuccti

3. Michele Matarazzo

4. Michele & Francesco Matarazzo

5. Luigi Pesce

6. Enrico Andreini

7. Cathedral of the Consolata

8. Don Bosco

آرنالدو فورلانی^۱ وزیر امور خارجه ایتالیا حتی با پخش برنامه‌هایی به زبان ایتالیایی از رادیو و تلویزیون ایران موافقت کردند تا بخشی از نیازهای فرهنگی جامعه مهاجران پاسخ داده شود (ASPR, 1978).

افزایش جمعیت ایتالیایی‌های مقیم ایران، ضرورت تأسیس یک نهاد آموزشی رسمی برای فرزندان آنان را بیش‌ازپیش آشکار کرد. این مسئله پس از سفر رسمی جیووانی لئونو^۲ رئیس‌جمهور ایتالیا به ایران در سال ۱۳۵۳ش. (ساکما، ۱۳۵۳، سند ش. ۲۶۴/۲۴۵۰) و در پی توافق دو دولت عملی شد. در این راستا، کمیته‌ای به ریاست آنتونیو آنجلوچی^۳ مدیرعامل شرکت نفت ایران و ایتالیا^۴ تشکیل شد تا ساخت مدرسه ایتالیایی تهران را پیش‌برد (ASPR2, 1970 settembre). تأسیس این مدرسه نه تنها پاسخی به نیاز جامعه مهاجران بود، بلکه در عمل، حضور شرکت‌های بزرگ ایتالیایی همچون شرکت سراسری نفت ایتالیا^۵ را تسهیل می‌کرد. با وقوع انقلاب ۱۳۵۷ش. و متعاقب آن جنگ ایران و عراق، بخش عمده‌ای از جامعه ایتالیایی ایران ناگزیر به ترک کشور شد. بدین ترتیب، دوره‌ای که با رشد و گسترش حضور مهاجران ایتالیایی در ایران شناخته می‌شد، به پایان رسید.

ح. همکاری در زمینه سینما، تئاتر، موسیقی و نمایشگاه‌ها

۱. حضور سینماگران ایتالیایی و بازنمایی فرهنگی ایران

در دوره پهلوی دوم، حضور سینماگران ایتالیایی در ایران و برگزاری جشنواره‌ها و مناسبت‌های متعدد هنری، زمینه آشنایی آنان با فرهنگ، فضای اجتماعی و تاریخی ایران را فراهم ساخت و موجب تولید چندین اثر برجسته سینمایی ایتالیا در این کشور شد. پیرپائولو پازولینی^۶ دو بار به ایران سفر کرد و بخشی از فیلم *گل‌هزار* و یک شب^۷ را در سال ۱۳۵۳ش. در اصفهان و مورچه‌خورت فیلمبرداری کرد (Reeves, 2001:37). فیلم جنجالی پازولینی دربرگیرنده صحنه‌های غیراخلاقی بود، این رویکرد با کارنامه سینمایی جنجالی او که خشم عمومی را برمی‌انگیخت، کاملاً سازگار بود. بر اساس گزارشات، اعتراضات علیه فیلم در زمان تولید آن در مسجد جامع اصفهان شکل گرفت (مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع)، ۱۳۵۲:۷۱).

1. Arnaldo Forlani

2. Giovanni Leone

3. Antonio Angelucci

4. Societe Irano-Italienne des petroles (SIRIP)

5. General Italian Oil Company (AGIP)

6. Pier Paolo Pasolini

7. Arabian Night (1974)

استفاده پازولینی از موسیقی ایرانی در فیلم *مده*^۱ و نیز نگاه انتقادی‌اش به روند نوسازی شهرهای ایران نشانگر عمق این ارتباط است. حضور چنین سینماگرانی بیانگر جایگاه ویژه ایران در نگاه هنرمندان ایتالیایی و نقش آن در تاریخ تبادلات فرهنگی و سینمایی است. نمونه دیگر این تعامل فرهنگی، فیلم «بیابان تارتارها»^۲ تولید سال ۱۳۵۴ش. به کارگردانی والریو زورلینی^۳ است که اقتباسی سینمایی از رمان مشهور دینو بازاتی محسوب می‌شود. انتخاب ارگ بم در جنوب شرقی ایران به عنوان لوکیشن اصلی فیلم، فراتر از یک تصمیم صرفاً عملی برای فیلمبرداری بود و همخوانی عمیقی با مضامین فلسفی و ادبی رمان داشت (Rekabtalaei, 2019: 277). همانگونه که قلعه فرضی فورتر باستیانی در رمان بازاتی نماد انتظار بی پایان و مواجهه با پوچی وجود انسانی است، ارگ بم نیز با پیشینه‌ای بیش از ۲۵۰۰ سال، فرسایش تدریجی، انزوا و گذر زمان را به صورت عینی و ملموس بازنمایی می‌کند. این هم‌پوشانی میان مکان و روایت، علاوه بر غنابخشی بصری، موجب تقویت ابعاد نمادین و مفهومی فیلم شده و آن را به نمونه‌ای ممتاز از تعامل میان هنر سینما و تاریخ مادی تبدیل می‌کند.

همچنین بر اساس مرحله دوم قرارداد فرهنگی ۱۳۵۷-۱۳۵۶ش. که بین ایران و ایتالیا منعقد شد، در ماده ۳ این قرارداد به صراحت در باره حضور در جشنواره‌های سینمایی هر دو کشور اشاره شده است و همین موجب تبادل آثار سینمایی در سطح پخش در سینه‌کلوب^۴ تهران شد (ساکما، سند ش. ۲۲/۴۸۰/۲۹۷).

۲. مستندسازی

روابط سینمایی ایران و ایتالیا صرفاً به تولید آثار داستانی محدود نمی‌شد، بلکه در حوزه مستندسازی نیز نمودهایی برجسته داشت. در سال ۱۳۴۳ش. / ۱۹۶۵م. برناردو برتولوچی^۵، کارگردان برجسته ایتالیایی، به ایران سفر کرد تا مستند سه قسمتی «راه نفت»^۶ را برای شرکت نفتی انی^۷ بسازد (Archivio storico di ENI, fascicolo 31B7, busta 216). این

۱. Medea (1969)

۲. *Il deserto dei Tartari* (1976)

۳. Valerio Zurlini

۴. «سینه‌کلوب» در سال ۱۳۳۷ش. به ابتکار هوشنگ کاووسی در تهران شکل گرفت و با برگزاری جلسات هفتگی در سینماهای نیاگارا و سپس امپایر، زمینه نمایش، نقد و گفت‌وگوی جمعی در باره فیلم‌ها را فراهم ساخت (شعاعی، ۱۳۵۴: ۳۷۸).

۵. Bernardo Bertolucci

۶. La via del petrolio

۷. Ente Nazionale Idrocarburi (ENI)

پروژه در چارچوب دیپلماسی فرهنگی و صنعتی ایتالیا انجام شد و هدف آن نمایش فرآیند استخراج، حمل و توزیع نفت ایران و پیام توسعه صنعتی بود. برتولوچی با استفاده از زبانی شاعرانه و هنری، تضاد میان تاریخ و سنت با توسعه مدرن را به تصویر کشید و لوکیشن‌هایی مانند بازار تهران، اصفهان و ارتفاعات زاگرس را انتخاب کرد. این مستند تعامل سینماگران ایرانی به‌ویژه عباس کیارستمی را در شناسایی لوکیشن‌ها نشان داد (بهارلو، ۱۳۷۹: ۹۸) و بر تأثیر سینمای ایتالیا بر نسل جوان سینماگران ایرانی تأکید داشت.

شبکه تلویزیونی رای^۱ به مناسبت جشن‌های ۲۵۰۰ ساله شاهنشاهی، اقدام به ساخت مستندی با موضوع ایران باستان و ایران مدرن کرد (ساکما، ۱۳۵۰، سند ش. ۲۹۷/۲۶۹۷۹). در طی سال‌های ۱۳۵۲ تا ۱۳۵۳ ش. گروهی از مستندسازان ایتالیایی اقدام به تولید فیلمی با عنوان "سیاه زن" کردند. موضوع این مستند بر مبنای زندگی شمس‌الملوک مصاحب نماینده چهار دوره مجلس سنا (از دوره چهارم تا هفتم) و مشاور و سرپرست امور فرهنگی بنیاد پهلوی شکل گرفت و بدین‌سان، جلوه‌ای دیگر از تعاملات فرهنگی-هنری میان دو کشور را بازتاب داد (ساکما، سند ش. ۲۶۴/۲۵۸۱۶).

۳. تالار رودکی و حضور هنرمندان ایتالیایی

در حوزه موسیقی و هنرهای نمایشی، تأسیس تالار رودکی در سال ۱۳۴۶ ش. نقطه عطفی به شمار می‌رفت. این تالار به سرعت به مرکزی برای اجرای برنامه‌های هنری، چه توسط گروه‌های داخلی و چه هنرمندان بین‌المللی تبدیل شد. در فاصله سال‌های ۱۳۴۸ ش. تا ۱۳۵۷ ش. تالار رودکی میزبان اجراهای متنوعی از هنرمندان ایتالیایی بود که عمدتاً شامل اپرا و کنسرت‌های ارکستر سمفونیک می‌شد (ساکما، سند ش. ۲۶۴/۲۳۲۵۸، سند ش. ۲۶۴/۲۱۶۹۲، سند ش. ۲۶۴/۲۲۰۱۸، سند: ۲۶۴/۲۲۹۴۵، سند ش. ۲۶۴/۲۱۹۶۴؛ سند ش. ۲۶۴/۲۳۳۷۳ و سند ش. ۲۶۴/۲۲۷۴۰). حضور مداوم این گروه‌ها و اجراها بازتابی از گسترش تعاملات فرهنگی ایران با ایتالیا بود، جدول ۱ بخشی از این اجراها را در خود جای داده است.

^۱. Radiotelevisione Italiana (Rai)

جدول ۱. فهرست برخی اجراهای هنرمندان ایتالیایی در تالار رودکی

ردیف	نام اجرا	مشخصات اجرا
۱	اجرای اپرای لایبوم	اجرای اپرای لایبوم توسط هنرمندان داخلی و خارجی در تالار رودکی با آهنگسازی جاکومو پوچینی، ۱۳۴۸ش.
۲	اپرای ایتالیایی لوجیا	بیژن آصف‌جاه (سرپرست اپرای تهران)، ۱۳۵۶ش.
۳	اجرای اپرای مادام باترفلای	توسط گروه اپرای تهران در تالار رودکی با موسیقی جاکومو چینی و کارگردانی یوشیو آئویاما، ۱۳۵۳-۱۳۵۲ش.
۴	اجرای اپرای آدریانا لکورور	اثر فرانچسکا چیله‌آ آهنگساز ایتالیایی، منیر وکیلی سولست اپرا، ۱۳۵۳ش.
۵	اجرای اپرای توسکا در تهران	با موسیقی پوچینی، رهبری مانریکو وتورا و هنرمندی سودابه تاجبخش، جوانی جی‌بین و لینوپل بی‌زی، ۱۳۵۳ش.
۶	اجرای اپرای ریگولتو	اثر جوزپه وردی آهنگساز ایتالیایی توسط هنرمندان گروه اپرای تهران به رهبری جیمس کوتراد خواننده و کارگردان و وینچنز جانینی آهنگساز ایتالیایی، ۱۳۵۵ش.
۷	اجرای اپرای دون پاسکواله	با موسیقی گائتانو دونیزتی آهنگساز ایتالیایی، ۱۳۵۰ش.
۸	اجرای اپرای فالستاف	بیژن آصف‌جاه و موسیقی جوزپه تاده‌ای، ۱۳۵۶ش.
۹	اجرای اپرای فاوست	اثر شارل گونو توسط گروه اپرای تهران با کارگردانی کارل هانیس‌هابرلند، رهبر ارکستر جان لوئیچی جلمتی و هنرنمایی سزار سیه‌پی خواننده ایتالیایی، ۱۳۵۳ش.
۱۰	اجرای اپرای کارمن	با موسیقی ژرژ بیزه، ۱۳۵۶ش.
۱۱	اجرای اپرای نابوکو	اثر جوزپه وردی آهنگساز ایتالیایی با هنرمندی گروه اپرای تهران و هنرمندان خارجی، ۱۳۵۳ش.
۱۲	اجرای ارکستر سمفونیک تهران	جان لوئیچی جلمتی رهبر ایتالیایی ارکستر سمفونیک تهران و آندر فولدز پیانیست مجازی، ۱۳۵۲ش.
۱۳	اجرای برنامه‌های موسیقی در ارکستر سمفونیک تهران	اجرای آثار بزرگان موسیقی جهان در ارکستر سمفونیک تهران به رهبری فرهاد مشکوه و برخی از رهبران و نوازندگان مدعو ارکستر سمفونیک‌های سایر کشورها از جمله ایتالیا، انگلستان و آلمان، ۱۳۵۴ش.
۱۴	برنامه‌های ارکستر سمفونیک تهران	اجرای آثار هوشنگ استوار و غلامرضا مشایخی (اقتباسی از بوف کور صادق هدایت) به رهبری فرهاد مشکوه توسط ارکستر سمفونیک تهران در تالار رودکی و آلن دوبو آویوزف شیوو، بیژن خادم میثاق تک‌نواز ویولن و جان لوئیچی جلمتی موسیقیدان ایتالیایی، ۱۳۵۲ش.
۱۵	برنامه اجرای اپراهای ایل تبارو و جانی‌اسکیکی	اجرای اپراهای "ایل تبارو" و "جانی‌اسکیکی" اثر جاکومو پوچینی آهنگساز ایتالیایی توسط گروه اپرای تهران و هنرمندان خارجی، برخی هنرمندان: رنا توکاپکی، جوزپه جیزموند و منیر وکیلی، ۱۳۵۱ش.

۴. دیپلماسی فرهنگی در قاب نمایشگاه‌ها و جشنواره‌ها

برگزاری نمایشگاه "هنر ایرانی در رم" که با هدف ارائه تصویری جامع از دستاوردهای هنری ایران از دوران پیشاتاریخ تا قرن هجدهم میلادی انجام گرفت (ساکما، سند ش. ۹۹۸/۱۳۸۱)، فصلی مهم در معرفی میراث فرهنگی ایران در ایتالیا به شمار می‌رفت. بررسی اسناد دیپلماتیک ایتالیایی نشان می‌دهد که به دلیل فاصله جغرافیایی و هزینه‌های سنگین، تا اوایل دهه ۱۹۷۰ میلادی هیچ رویداد فرهنگی برجسته از سوی ایتالیا در ایران برگزار نشد. با این حال، از آغاز این دهه ابتکارات فرهنگی متعددی از سوی ایتالیایی‌ها با استقبال جامعه هنری ایران روبه‌رو گردید. از جمله می‌توان به برگزاری "نمایشگاه برنزه‌های معاصر ایتالیا" در سال ۱۹۷۰م، حضور سالانه سینمای ایتالیا در "جشنواره بین‌المللی فیلم تهران" و "جشنواره بین‌المللی فیلم کودکان" اشاره کرد (ASPR1, 1970: p.2; ASPR2, 1975: p.7). افزون بر این، به درخواست ایران نمایشگاه‌هایی همچون "پمپی"، "مرمت آثار هنری در فلورانس و ونیز" و "تئاتر کلاسیک" نیز از سوی ایتالیا سازماندهی شد و در ایران به نمایش درآمد.

ط. دیگر روابط فرهنگی: نصب تندیس مشاهیر ایران در رم

یکی دیگر از نمودهای برجسته همکاری فرهنگی و هنری میان ایران و ایتالیا در دهه ۱۳۳۰ش. ساخت و نصب تندیس مشاهیر ایرانی در رم بود. پس از برگزاری جشن‌های هزاره فردوسی در ایران، مراسم مشابهی نیز در پایتخت ایتالیا برگزار شد و به افتخار این شاعر ملی ایران، میدانی در پارک معروف "ویلا برگز" رم به نام او نامگذاری شد. مأمور ساخت تندیس فردوسی، ابوالحسن صدیقی مجسمه‌ساز برجسته ایرانی بود. این تندیس که از سنگ مرمر یک‌پارچه تراشیده شده و با ابیاتی از شاهنامه مزین بود، در هشتم آذر ماه ۱۳۳۷ش. با حضور شخصیت‌های فرهنگی، شهردار رم، وزیر خارجه ایران و جمعی از ایران‌شناسان پرده‌برداری شد (روزنامه/اطلاعات، ۱۳۳۷/۹/۲۲، ش. ۹۸۷۸). صدیقی علاوه بر تندیس فردوسی، مجسمه خیام را نیز در ایتالیا خلق کرد که بازتاب گسترده‌ای در محافل هنری آن کشور داشت و روزنامه‌های ایتالیایی از آن با شور و تحسین یاد کردند (Il Messaggero, 1958, November 21). استقبال جامعه هنری و مردم ایتالیا از این آثار نشان‌دهنده جایگاه ویژه مشاهیر ایران در افق فرهنگی اروپا و نیز عمق روابط هنری میان دو کشور بود.

ی. توافق دوم فرهنگی

مرحله دوم قرارداد فرهنگی ایران و ایتالیا (۱۳۵۷-۱۳۵۶ش./ ۱۹۷۹-۱۹۷۸م.) یکی از آخرین نمودهای سیاست فرهنگ‌محور حکومت پهلوی در عرصه دیپلماسی به شمار می‌رفت. این توافق در هفت زمینه: فرهنگ و هنر، باستان‌شناسی، آموزش عالی و علوم، آموزش و پرورش، پرورش فکری کودکان و نوجوانان، رسانه‌ها و ورزش تنظیم شد (ساکما، سند ش. ۲۲/۴۸۰/۲۹۷).

مهم‌ترین بخش آن همکاری‌های باستان‌شناسی و میراث فرهنگی بود که شامل اعطای بورس‌های تخصصی برای مرمت نسخ خطی و حفاظت آثار تاریخی و نیز تداوم فعالیت‌های مشترک در تخت جمشید و اصفهان با مشارکت ایزمئو می‌شد. در حوزه هنر نیز تبادل گروه‌های موسیقی و تئاتر، اعطای بورس به هنرجویان و برگزاری نمایشگاه‌ها و جشنواره‌های سینمایی پیش‌بینی شده بود؛ از جمله حضور گروه‌های تئاتر ایتالیایی در جشن هنر شیراز ۱۹۷۹م. که با هدف نمایش چهره‌ای مدرن و سکولار از ایران سازمان یافت، اما با وقوع انقلاب اسلامی ناتمام ماند. همکاری‌های علمی و آموزشی نیز بر تبادل استادان و دانشجویان در رشته‌هایی چون معماری، شهرسازی و فلسفه، همراه با بورس‌های تحصیلی و منابع آموزشی متمرکز بود و همکاری پژوهشی میان مؤسسات دانشگاهی دو کشور را دنبال می‌کرد. در کنار آن، برنامه‌هایی برای آموزش کودکان و نوجوانان، همکاری‌های رسانه‌ای و برگزاری جشنواره‌های فرهنگی نیز پیش‌بینی شده بود. در مجموع، این توافق بیانگر واپسین تلاش‌های حکومت پهلوی برای تلفیق توسعه علمی و فرهنگی با تأکید بر میراث باستانی و الگوی مدرنیته غربی بود.

نتیجه‌گیری

بررسی روابط فرهنگی ایران و ایتالیا در دوره پهلوی دوم (۱۳۵۷-۱۳۳۲ش.) نشان داد که این مناسبات ابعادی بسیار فراتر از روابط نمادین و تشریفاتی داشت و به صورت ساختاری و کارکردی در چارچوب سیاست نوسازی فرهنگی و دیپلماسی عمومی حکومت پهلوی عمل کرد. امضای موافقتنامه فرهنگی ۱۳۳۷ش. فعالیت‌های گسترده ایزمئو در باستان‌شناسی و مرمت، تأسیس مراکز و مؤسسات فرهنگی دو جانبه، برگزاری نمایشگاه‌ها و کنگره‌های ایران‌شناسی و حضور هنرمندان و سینماگران ایتالیایی در ایران، همگی نشانگر این است که روابط فرهنگی در سطحی عمیق و پایدار جریان داشت. از یک‌سو، این روابط به بازنمایی و تقویت هویت فرهنگی ایران در عرصه بین‌المللی کمک کرد و ایران را به منزله وارث تمدنی

کهن و در عین حال کشوری در حال مدرن شدن معرفی کرد. از سوی دیگر، برای رژیم پهلوی کارکردی سیاسی-دیپلماتیک داشت و در خدمت مشروعیت بخشی به سیاست خارجی و فرهنگی آن قرار گرفت. در همین حال، ایتالیا نیز با بهره گیری از این روابط توانست نفوذ فرهنگی و علمی خود را گسترش دهد و از آن به منزله ابزاری برای تقویت جایگاه اقتصادی و سیاسی خود در خاورمیانه استفاده کند. بنا بر این، فرضیه پژوهش که بر این نکته تأکید داشت که روابط فرهنگی ایران و ایتالیا در دوره پهلوی دوم صرفاً در سطح نمادین باقی نمانده، بلکه در راستای نوسازی فرهنگی و دیپلماسی عمومی رژیم عمل کرده است، تأیید می شود. در واقع، اسناد و شواهد نشان دادند که این روابط نه تنها ابعاد فرهنگی و هنری داشت، بلکه در پیوندی تنگاتنگ با سیاست های کلان حکومت پهلوی دوم و اهداف بین المللی آن شکل گرفت و تداوم یافت.

منابع و مأخذ

اسناد:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران (ساکما):

ساکما: سند ش. ۲۶۴/۲۴۷۴۶.

-----سند ش. ۲۹۷/۴۸۰۲۲.

-----سند ش. ۲۴۰/۱۲۶۳۳۲.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۳۲۵۸.

-----سند ش. ۲۳۰/۳۹۲۰۹.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۱۶۹۲.

-----سند ش. ۲۹۷/۲۶۹۷۹.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۲۰۱۸.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۷۱۷۲.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۲۹۴۵.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۴۵۰.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۳۳۷۳.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۱۹۶۴.

-----سند ش: ۲۶۴/۲۲۷۴۰.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۶۷۶۳.

-----سند ش. ۲۳۰/۳۳۲۷۸.

-----سند ش. ۲۶۴/۲۵۸۱۶.

-----سند ش. ۹۹۸/۱۳۸۱.

وزارت امور خارجه:

آرشیو اسناد وزارت امور خارجه ایران: سند ۴، پوشه ۸۱، کارتن ۷۴، سال ۱۳۲۰ش.
-----سند ۲/۲۷، پوشه ۵۵، کارتن ۱۶، سال ۱۳۲۸ش.

کتابخانه، موزه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی:

مدرک ش. ۱۱۴۱-۶۳۱۵.

مدرک ش. ۱۹/۵۵/۲/۱/۲۹۸ق.

کتاب‌ها و مقالات:

ازغندی، علیرضا، ۱۳۹۲، *روابط خارجی ایران ۱۳۵۷-۱۳۲۰*، تهران: قومس.
بهارلو، عباس، ۱۳۷۹، *سینماگران ایران: عباس کیارستمی*، تهران: نشر نوروز هنر.
پهلوی، محمدرضا، ۱۳۵۵، *بسوی تمدن بزرگ*، تهران: مرکز پژوهش و نشر فرهنگ سیاسی دوران پهلوی با همکاری کتابخانه پهلوی.
جبل‌عاملی، عبدالله، ۱۳۹۲، *تاریخ تحولات مسجد جامع اصفهان*، فصلنامه علمی *اثر*، ۱۳۹۲، ش. ۳۴ (۶۱)، صص. ۲۹-۶۶.
رستمی، پروین، بررسی ماهیت روابط ایران و ایتالیا بر پایه مذاکرات مجالس شانزدهم تا نوزدهم شورای ملی (با تأکید بر قرارداد نفتی ایران و شرکت آجیب میناریا)، فصلنامه *تاریخ روابط خارجی*، ۱۳۹۲، سال نوزدهم، ش. ۷۴، صص ۱۰۸-۷۹.
شعاعی، حمید، ۱۳۵۴، *فرهنگ سینمای ایران*، تهران: شرکت تعاونی تهیه و توزیع ناشران و کتابفروشان.
کدی، نیکی آر، ۱۳۷۵، *ریشه‌های انقلاب ایران*. ترجمه: عبدالرحیم گواهی، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی، دوره نوزدهم. جلسات ۲۴۷ و ۳۶۳ و ۳۹۷.
مؤسسه تحقیقاتی و تعلیماتی امام صادق (ع)، *فیلم بدآموز هزارویکشب در مسجد شاه اصفهان*، نشریه درسهایی از مکتب اسلام، تیر ۱۳۵۲، سال چهاردهم، ش. ۶، ص. ۷۱.
نعمتی، نورالدین و امیرحسین داوودندی، قرارداد مشارکت نفتی با ایتالیا در دوره پهلوی دوم، *تحقیقات تاریخ اقتصادی ایران*، ۱۴۰۴، دوره چهاردهم، ش. ۱، صص. ۱۷۲-۱۳۹.

نشریات:

روزنامه *اطلاعات*. شهریور ۱۳۳۶، ش. ۹۴۱۰.

_____، آذر ۱۳۳۷، ش. ۹۷۷۴.

_____، ش. ۹۷۷۵.

_____، ش. ۹۷۷۷.

_____، ش. ۹۷۸۷.

_____، آذر ۱۳۵۳، ش. ۱۴۵۸۶.

لاتین:

Documents / Archival Sources

ASPR (Archivio Storico della Presidenza della Repubblica). 1957, August 31. *Telegramma n.10846, da Roma a Teheran, Visita di Stato in Iran (7-12 settembre 1957)* (Affari Diplomatici, b.11, f.2, sotto cartella 3). Roma.

_____. 1957, February 15. *Telegramma n.3435, da Teheran Assegnaz. CERIM., Visita di Stato in Iran (7-12 settembre 1957)* (AD, b.11, f.2, sotto cartella 2). Roma.

_____. 1958, October 4. *Restituzione Visita S.M. Scià, Appunto, Brindisi Signore Presidente per pranzo Stato Scià, Roma* (AD, b.22, f.3, Visita dello Scià Iran a Roma, 27 Nov.–1 Dec. 1958). Roma.

_____. 1978, maggio 1-4. *Visita ufficiale in Iran del Ministro Forlani* (AD, b.127). Roma.

_____. (n.d). Iran, b.797, f.7. *Documentazione per la visita del Ministro degli Affari Esteri Aldo Moro in Iran: Rapporti culturali e di assistenza tecnica tra Italia e Iran*, p. 1. Roma.

_____. 1970, Settembre 16-18. *Visita in Iran del Ministro degli Affari Esteri Aldo Moro: Rapporti culturali Italo-Iraniani* (b.797, f.B7), p. 1. Roma.

_____. 1975, dicembre 15-19. *La visita di stato in Iran del Presidente della Repubblica Leone: Rapporti culturali e di cooperazione scientifica e tecnica* (b.483, f.B/1), p. 4. Roma.

_____. 1970, Settembre 16-18. *Visita in Iran del Ministro degli Affari Esteri Aldo Moro: Collettività italiana in Iran* (AD, b.797, f.B7), p. 1. Roma.

_____. 1975, dicembre 15-19. *La visita di stato in Iran del Presidente della Repubblica Leone: Cooperazione culturale, scientifica e tecnica* (AD, b.482, f.14), p. 7. Roma.

Archivio storico di ENI. 1965. “*La via del petrolio*”. *La documentazione sul film si trova nel fondo Relazioni esterne*, fascicolo 31B7, busta 216.

Books and Articles

Casari, Mario. 2007, *Italy iii. CULTURAL RELATIONS*. Encyclopedia Iranica.

Genito, B. 2007, Italy vi. ITALIAN EXCAVATIONS IN IRAN: Excavations in Sistān. Encyclopedia Iranica.

Genito, B. *EXCAVATIONS AND MATERIALS FROM QAL'A-YE TEPE, SISTAN (IRAN): AN ARCHAEOLOGICAL PROJECT OF THE 60S OF THE LAST CENTURY*. Journal of Sistan and Baluchistan Studies, 2023, 3(1), 1-37.

Gnoli, G. 2015, *DAHAN-E ĠOLĀMĀN*. Encyclopedia Iranica.

Panaino, Antonio. 2007, *Italy xv: IsMEO*, Encyclopedia Iranica.

Piemontese, A. & Keddie, N. R. Italian scholarship on Iran (An outline, 1557–1987). *Iranian Studies*, 1987, 20(2/4), 99–130. Cambridge University Press.

Reeves, Tony. 2001, *The Worldwide Guide to Movie Locations*, United States: A Cappella.

Rekabtalaei, Golbarg. 2019. *Iranian Cosmopolitanism: A Cinematic History*, United Kingdom: Cambridge University Press.

Scerrato, U. "Excavations at Dahaneh-e Gholaman (Sistan-Iran), First Preliminary Report (1962-1963)," *East and West*, n.s. 16, 1966. 9-30.

Tilia, A. 1978, *Studies and Restorations at Persepolis and Other Sites of Fārs. II* (IsMEO Reports and Memoirs 18), Rome, 1978.

Toniolo, Gianni and N.Crafts. 1996, *Economic Growth in Europe since 1945*. Cambridge: Cambridge University Press.

Newspapers / Periodicals

Il Messaggero. 1958, November 21. Roma.

La Stampa. 1958, November 30. Roma.

